

طرحی بر معرفی یک نماینده از ولسوالی های سرحدی (شغنان، اشکاشم، زیباک و واخان) بدخشان به ولسی جرگه پارلمان افغانستان

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم، والصلوات والسلام على محمد الرسول و اما بعد فقد قال الله تعالى في محكم تنذيله فاعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
بسم الله الرحمن الرحيم ۰ اِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُ مَا بِاَنْفُسِهِمْ ۰

ترجمه: خداوند (ج) تغییر نمیآورد در (زندگی) هیچ قومی مگر اینکه خود (این قوم) در خود تغییر بیاورند!

نوشته: گل نظر فرهاد



اشکاشم: ۱۴ دسمبر ۲۰۱۴ میلادی

که تقدیرش بدست خویش بنوشت  
که دهقانش برای دیگران کشت

خدا آن ملتی را سروری داد  
به آن ملت سر و کاری ندارد

علامه اقبال (رح)

هم میهنان عزیز و گرامی!

درود آتشین و پر از خلوص نثار تان باد. هر چند گمان اغلبم آن است که در طول تاریخ همه ما سخنان بلند و بالا را تا به حدی شنیده ایم که اینک پرده گوشهای ما آماده گی شنیدن بیشتر از آنرا ندارند و نوشتار هائی را بمطالعه گرفته ایم که نذیر شان کمتر دیده شده، اما در این میان آنچه همیشه در حاشیه بوده، عملکرد بر گفتار ها و نوشته ها بوده است. با درک این حقیقت جرئت آنرا در خود نمیبینم که من هم با پیوند دادن کلمات خورد و ریزه ای بر روی خط و جلب نمودن توجه شما برای مطالعه آن باعث ضیاع وقت شما گردم، اما چکنم بالآخره من هم جز همین جامعه یعنی جزئی از شما استم و در ضرر و فایده تان در همه ابعاد زندگی شریک استم. وقتی چنین است، من هم حد اقل برابر توانم در راستای انکشاف این جامعه مسئولیت دارم و عدم پرداختن بمسئولیت گناه است. با درک همین مسئولیت خواستم مطالب پیشنهاد گونه ای را منحیث طرح چگونگی معرفی یک فرد از ولسوالی های سرحدی ولایت بدخشان به ولسی جرگه (پارلمان) افغانستان با گنجاندن در این صفحه همراهی شما شریک نمایم و علاوه مینمایم که دوستان دیگری هم میتوانند طرح بهتر و خوبتر را ارایه نمایند، برای اینکه از حاشیه روی بیشتر جلوگیری شود، میخوام مستقیماً به اصل منظورم بپردازم:

از آنجاییکه همه شما هموطنان گرامی بخوبی میدانید، کشور ما افغانستان دو دور انتخابات پارلمانی را از سر گذرانده و در آستانه برگذاری سومین دور آن قرار دارد. همه ما و شما افتخار آنرا داریم که در دو دور قبلی با صداقت، علاقه مندی و امید به پیروزی در آینده به پای صندوقهای رأی رفته و به کاندید مورد نظر خود رأی دادیم، اما نتیجه اشتراک ما در این دو دور چه بوده است؟ ناکامی، ناکامی و باز هم ناکامی، حسرت و پشیمانی!

آیا در همین هردو دور ناکامی، از خود پرسیدیم که چرا ناکام ماندیم؟ آیا علل ناکامی خود را ریشه یابی کردیم؟ و بالآخره آیا از ناکامی دو دور قبلی تجربه گرفته و راهکاری را برای پیروزی در دور بعدی (سومین دور) در نظر گرفته ایم؟ ما مزه تلخ ناکامی و شکست در انتخابات را سالهاست می چشیم و اینک نیاز داریم که طعم شیرین موفقیت را هم بچشیم. معامله گران سیاسی در دو دور

انتخابات قبلی، آراً ما را با نیرنگ و فریب بنفع خود بردند اما بعد از پیروزی شان چیزیکه از آنها بما رسید، ذلت و بیقدری ای بیش نبوده است!

پرسید از اولادهای تان که برای ادامه تحصیل به مراکز ولایات و خصوصاً به موسسات تحصیلات عالی ولایت کابل رفته اند! آنان بیشتر ذلت ناکامی در انتخابات را دیده اند! از آنان پرسید که برای اجرای جزئی ترین کار رسمی شان به چه کسان و ناکسانی مراجعه نموده اند؟ از آنان پرسید که آنانیکه حتی به آراً ما و شما به پارلمان راه یافتند، جواب شان در امر اجرای جزئی ترین کار به فرزندان تان چه بوده است؟ جواب شان فقط این بوده است که **چرا شما از خود وکیل ندارید؟** و اینچنین کلمات مانند ضربه تبر بر فرق فرزندان تان کار نموده است، میدانید ما همواره مورد تمسخر و منت کسانی بوده ایم که بظاهر منحیث نماینده ما (مردم بدخشان) بر کرسی پارلمان تکیه زده اند و بعید نیست که باز هم انتظار دارند که با رأی ما بار سوم هم به پارلمان بروند! اما در این دور باید از اشتباهات گذشته درس عبرت آموخته و با هوشیاری عمل نمائیم چنانچه شاعری گفته است:

عاقل نبود هر آنکه مارش از یک بن غار زند دوبارش

اگر در این دور هم تجربه دو دور قبلی را تکرار نموده، خود باعث شکست خود شویم، هیچگاهی قابل عفو نخواهیم بود. شاید این نوشته بنده قبل از وقت باشد، زیرا تا فعلاً کسی یا کسانی را سراغ ندارم که بصورت علنی از کاندید نمودن شان به پارلمان افغانستان در دور سوم انتخابات یاد نموده باشند اما آوازه هائی وجود دارند که تعدادی از شخصیت ها و نخبه های سیاسی دیار ما برای کاندید شدن به پارلمان آمادگی دارند! من گاه گاهی در شبکه های اجتماعی به مواردی سر میخورم که رساننده چنین پیام ها اند، در یافته هم که دوستانی حد اقل علاقه مندی شانرا ابراز داشته اند و یقین دارم که هدف همه دوستان (کاندیدان) همانا رسیدن بجایگاهی است که بتوانند از آن طریق خدمت بهتر و بیشتری را به مردم خود ارائه نمایند. بعضی از دوستان با استدلال بر قانون اساسی کشور میگویند که: هر فرد افغان حق دارد که خود را کاندید نماید و هیچکس حق ندارد که با کاندید شدن فرد دیگری مخالفت نماید. بلی من با همین دوستان بکلی موافقم، در واقع همه افراد جامعه ما هم حق کاندید شدن را دارند و هم لیاقت آنها دارند اما اگر هر فرد حق

آنها دارد که خود را کاندید نماید. آیا یک قوم بزرگ حق آنها ندارد که در پارلمان کشورش یک نماینده داشته باشد؟

باید بیاد داشته باشیم که اقلیتهای قومی با اتکال بر قانون نمیتوانند به حق اصلی شان برسند. قانون همیشه مدافع منافع قومی و یا گروهی بوده که توانسته است اکثریت را بخود اختصاص دهد ولو که این اکثریت غیر قانونی هم بوده باشد. تجربه نشان داده است که تعدد کاندیدان ما همیشه علت اصلی شکست مردم ما بوده است. شخصاً مرا عقیده بر آنست که کامیابی یک کاندید همانا کامیابی همه کاندیدان و کامیابی مردم ما است ولی ناکامی همه کاندیدان واضحاً ناکامی همه مردم ما است! حالا سوال اینجاست که آیا با تعدد کاندیدان، ولو که همه از استعداد و توانمندی خارق العاده هم برخوردار باشند، خواهیم توانست یک نفر نماینده را به پارلمان کشور معرفی نمائیم؟ آیا کاندیدان ما با وجود افزایش در تعداد شان باز هم امید پیروزی در انتخابات را خواهند داشت؟ بعقیده بنده به هیچ صورت نه! فراموش نکنیم که در روند انتخابات کسانی هم وجود دارند که طبق پلان آگاهانه با وعده های دروغین ما را در جایگاهی قرار میدهند که قدرت تصمیم گیری را از ما میگیرند تا آن حدیکه میدانیم ناکام استیم ولی نا خواسته به مبارزه مان ادامه میدهیم و با چنین راهکار، باعث شکست خود و موفقیت دیگران میشویم. ما با تأکید بر اصل حق بجانب بودن در انتخابات و اصرار بر تداوم مبارزه انتخاباتی توسط چند نفر کاندید، نه تنها شانسی برای پیروزی را بخود باقی نمیگذاریم، بلکه مردم خود را که در مقایسه با سایر باشندگان ولایت بدخشان در اقلیت قرار دارد، به دسته های کوچکتر دیگری تقسیم نموده و در واقع در عوض موفقیت، شکست مانرا حتمی میسازیم.

چه باید کرد؟ آیا هدف از انتخابات رساندن یک نماینده به پارلمان کشور است یا رقابت ناسالم جهت ضربه زدن بمنافع مردم؟ آیا کاندید شدن، رفتن به پارلمان به هدف خدمت به مردم است یا راه اندازی رقابت برای شخصیت سازی کاذب؟ **نا گفته نماند که عده ای خود را برای این کاندید مینمایند که گویا اگر کامیاب هم نشوند، حد اقل مطرح خواهند شد!** اما این مطرح شدن یعنی چی؟ مطرح شدن منحصیث یک فرد ناکام در انتخابات چه افتخاری را میتواند داشته باشد؟ اگر کاندید شدن به هدف خدمت باشد، نخست باید پذیرفت که کاندیدان زیاد از یک محیط نمیتوانند به پارلمان راه یابند و مقاومت شان برای ادامه مبارزات انتخاباتی جز آن

نیست که بار دیگر مزه تلخ شکست را به مردم بچشانند و این جفای بزرگی در حق مردم است و بس! چرا؟ زیرا:

**اول:-** تعدد کاندیدان آرای مردم را قسمت میکند که هیچیک از اوشان نخواهند توانست آرای کافی برای رسیدن به موفقیت را از مردم کسب نمایند.

**دوم:-** اطمینان آن وجود ندارد که مردم ما در پروسه انتخابات با در نظر داشت اصل منافع جمعی فکر نموده و رأی خود را بنفع یک کاندید استعمال نماید، برعکس آراشان را به نفع کسانی خواهند ریخت که یا از قریه شان باشند، یا از گروه سیاسی مرتبط شان باشند، یا حد اقل مشت پولی را ولو اندک هم باشد از آنان بدست آورده باشند و یا هم با وعده های میان تهی شان باورمند شده اند.

**سوم:-** مافیای اقتصادی در پروسه انتخابات از بیرون با کیسه های پول وارد میدان خواهند شد و با تاسف فراوان معامله گران و جستجوگران منافع آنی و موقتی در داخل هم برای بدست آوردن این پولها با قوت در کمین نشسته اند و قسمتی از آرای مردم، خواهی خواهی توسط همین افراد ضایع خواهد شد.

**چهارم:-** زدو بند های سیاسی در کشور و احتمال تقلب از طرف زورمندان و پولداران در انتخابات نیز نمیتوانند در روند انتخابات بی تاثیر باشند و من یقین دارم که کاندیدان ولسوالی های سرحدی (واخان، اشکاشم، زیباک و شغنان) بهیچ صورت نمیتوانند با پولداران و زورمندان رقابت نمایند، الا اینکه بتوانند با رأی پاک مردم شان یکی به پارلمان راه یابند، پس!

بیائید بعد یک عمر شکست و مایوسی برای یکبار مزه شیرین پیروزی را نیز تجربه نموده مردم مانرا بسوی امید و رسیدن به سعادت رهنمون گردیم، برای نیل به این هدف انسانی، راهکاری را در پیش خود ترتیب داده ام که ذیلاً با شما هموطنان شریک میگردد:

**مرا عقیده بر آن است که:**

**الف-** شغنان بدون اشکاشم، واخان و زیباک یعنی هیچ و اشکاشم، واخان و زیباک بدون شغنان یعنی هیچ! مفهومی است که اتحاد و اتفاق همین چهار ولسوالی ضامن پیروزی و راه یافتن یک کاندید به پارلمان افغانستان است در غیر

آن یکبار دیگر هم جایگاهی در مجلس نخواهیم داشت. طرح اینکه، ولسوالیهای اشکاشم، واخان و زیباک به تنهایی میتوانند کاندیدی را به پارلمان معرفی نمایند و شغنان به تنهایی میتواند یک کاندید را معرفی نماید، کاملاً یک طرح خوشبینانه بوده و طرحی است برای جدا سازی و متفرق نگهداشتن مردم این چهار ولسوالی، اگر این طرح کارا و موثر میبود، نتیجه اش را در دو دور قبلی میگرفتیم، که نگرقتیم.

**ب-** کاندیدان محترم باید آگاهانه و صداقت‌مندانه بدانند که با همه توانمندی و ظرفیت شان نخواهند توانست به پارلمان راه یابند مگر اینکه هدف شان از کاندید شدن حمایت از منافع مردم با رفتن یک نفر به مجلس نماینده گان باشد، نه کسب نمودن شهرت شخصی، در این راستا مقوله ای بنام تفاهم را از یاد نبرده تحقق آنرا نیز در نظر داشته باشند.

**ج-** کاندیدان محترم باید قبل از رفتن به پروسه های رسمی برای یک بار دور هم جمع شده راهکاری برای کاهش در تعداد شان را جستجو نمایند و تا حد توان کوشش نمایند که تعداد شان را به کمترین حد برسانند، حتی اگر میتوانند و درایت سیاسی آنرا داشته باشند، از میان شان یک نفر را انتخاب نموده و در باقی پروسه از وی حمایت نمایند، از همینجا خواهد بود که راه یافتن یک وکیل به ولسی جرگه افغانستان از همین چهار ولسوالی تضمین خواهد شد.

**د-** گمان میکنم که در حال حاضر غرور (بیمورد) همه ما بر درایت سیاسی ما چیره است و شهامت سیاسی ما در آن حد نیست که با کار برد ماده فوق، اخلاق سیاسی از خود گذری را از خود تبارز داده و به آینده گان نیز رایج نمائیم! چون اعتماد به اصل تفاهم و از خود گذری در میان نخبه گان کنونی نسبتاً ضعیف است و شاید هم انصاف نباشد که حکم بر این نمائیم که کاندیدانی، به نفع یک کاندید، میدان رقابت را رها نمایند (شاید هم هیچکسی چنین نکند) اما بمنظور رسیدن به هدف اصلی (رفتن یک نماینده به پارلمان کشور) با درک این واقعیت که با موجودیت تعداد کثیری از کاندیدان، رسیدن به این هدف غیر ممکن است، پیشنهاد من به همه کاندیدان محترم این است که قبل از وارد شدن بمیدان رقابت، در نخست با هم نشستنی را تشکیل دهند و بدوام آن اجتماعی متشکل از موکی ها، کامریاها، رؤسا و معاونین شوراها، سایر متنفذین، نماینده گان معارف، زنان و جوانان را

دعوت نموده و ضمن معرفی عموم کاندیدان در این اجتماع، یک انتخابات ابتدائی سری را انجام دهند و قبل از این باید کاندیدان محترم با اصل اعتماد به مردم، تفاهم نمایند که نتیجه برآمده از همین انتخابات ابتدائی قابل قبول همه شان خواهد بود و هر کاندید محترمی که بیشترین آرای همین مجمع را بدست آورد، کاندید عموم مردم نیز همان خواهد بود و دیگران با کمال شرافت، پیروزی وی را پیروزی خود دانسته و ضمن تبریک گفتن به وی، خود را از ادامه کار زار انتخاباتی کنار کشیده و در حمایت از او نیز سهمیم گردند.

و آخرین پیشنهاد به مردم عزیزم: دور از انتظار نیست که (شاید) با چیره بودن همان غرور (بیمورد) بر درایت سیاسی عده ای از کاندیدان محترم، فردی از میان ایشان، تابع هیچگونه اصول نبوده و ضمن فیصله اکثریت مردم در مورد پیشکش شدن یک کاندید قابل قبول برای رفتن به انتخابات، باز هم بر کاندید بودنش تأکید نموده و به فیصله مردم اهمیت قایل نشود، اینچنین فرد باید در جریان مبارزات انتخاباتی، از هیچگونه همکاری مردم برخوردار نگردیده و منحیث عامل اصلی شکست مردم شناخته شده و به تمام مردم نیز با همین عنوان معرفی گردد.

با عرض احترامات عمیق قلبی

گل نظر «فرهاد»

اشکاشم: ۱۴ دسمبر ۲۰۱۴ میلادی

تاریخ نشر در سیمای شغنان: ۲۳ دسمبر ۲۰۱۴